

حکایت نظر

۵ مأموریت و کارکرد علم زنده

۹ فلسفه چستی در مقدمه فلسفه چگونگی

۱۸ هر منوتیک روش در نظریه تفسیر سازوکاری

۲۳ فلسفه فقه و هرمنوتیک

۲۷ کارکرد تاریخی علوم انسانی

۳۵ فلسفه دین در نظر به فقه نظام دین

۴۲ مکتب و نظام مطلوب توسعه‌ای

خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال نهم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۰

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

دستاوردهای اندیشه‌ای مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، به نقطه‌های راهبردی تعیین کننده‌ای رسیده است. یکی از این نقطه‌ها ظهور چشم‌انداز تازه‌ای به هرمنوتیک روشی و فلسفی است. شماره پیشین مدخلی بر این موضوع بود و اینک در این شماره تفصیل بحث می‌آید.

جریان هرمنوتیک در تفسیر قرآن کریم در دو رویکرد روش‌شناسی و هستی‌شناختی به عرصه تحلیل و نظر می‌آید. در رویکرد روش‌شناختی، عرضه مجموع قواعد دخیل در فهم متن یا روش تفسیر درست متن مد نظر است و در رویکرد وجودشناخت، تأمل نظری به باب فهم کشانده شده و هرمنوتیک به مثابه نظریه فلسفی فهم جایگزین هرمنوتیک روش شناخت می‌شود.

انحصار هرمنوتیک فلسفی در گام پیشاتفسیر متن و پیشاروش به این نتیجه می‌انجامد که هم‌چنان برآیند تفسیر جهان از تدبیر جهان و افتاده باشد؛ اتفاقی که در خود غرب این‌گونه نبوده است. هرمنوتیک فلسفی در این گام سامان جامع تفسیر سازوکاری به نوبه خود می‌تواند رهسپار ویرایش زیستمانی تازه‌ای از زیست جهان انسانی در استناد به زیست جهان متن مقدس باشد. در گزارش‌های این شماره رویکرد هرمنوتیکی پی گرفته می‌شود:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا دو گزارش «گوهر و صدف دین» و «مأموریت و کارکرد علم زنده» معرفی می‌شود؛
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «بازخوانی تاریخت یهودیت ایدئولوژیک» با سوره بقره، «نظام احکام خانواده» با سوره نساء، «فلسفه چستی در مقدمه فلسفه چگونگی» با سوره انعام، «موقعیت نبوی تدبیر بهره‌ها و منابع» با سوره انفال، «فراوری حکمت عمل در متن تاریخت تغییر و تحول» با سوره یونس، «توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سور»، «باز چشم‌اندازی به نظام تنزیل»، «هرمنوتیک روش در نظریه تفسیر سازوکاری» و «بررسی تطبیقی اندیشه استنطاق و هرمنوتیک فلسفی» مرور می‌شود؛
۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با گزارش «خودبانی رشد با دعای ابوحمزه» پیش روست؛
۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «فلسفه فقه و هرمنوتیک»، «مرور ساختاری فلسفه فقهی سوره بقره» و «دو گام تا فلسفه اصول» را آغاز نموده است؛
۵. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «کارکرد تاریخی علوم انسانی» نظر افکنده است؛
۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «در آستانه میثاق ملی پیشرفت» و هم‌چنین چهار گزارش «نظام مسائل اساسی اجتماعی معاصر در جهان ایرانی»، «نگاهی به چارچوب نظری و عملی دسته‌بندی تدابیر»، «فلسفه دین در نظر به فقه نظام دین» و «مدیریت استراتژیک آینده‌نگار راهبردی» در دستور تأمل است؛
۷. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «نظام تدابیر و سیاست‌های کلی شهرسازی و معماری» معرفی می‌شود؛
۸. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «مکتب و نظام مطلوب توسعه‌ای» پرداخت.

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «گوهر و صدف دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و گزارش «مأموریت و کارکرد علم زنده» نیز در دستور تأمل آمده است.

برای چه» و «انسان برای چه» تا اکنون دستاورد اندیشه بشری، سه مؤلفه معنویت، عقلانیت و زمان (آینده) در ذیل خواهانی ترقی برآمده است که یک معادله برآیندی این مؤلفه‌ها اینک معادله شریعت و معنویت (ایمان) می‌شود و بدین‌روی فرایندهای فلسفه دینی‌ای در حال اتفاق است که کم‌تر خودآگاه دولت - ملت است و بدین‌سان دوره تازه‌ای از ظهور انسان جهانی در حال سررسیدن است. اینک دین از چشم‌انداز این مؤلفه‌ها بازتفسیر می‌شود. رویکرد به دین اینک بر این منبست و گام انتظار از دین در این مرحله اتفاق می‌افتد. در این چشم‌انداز مقوله‌هایی چون شریعت، نظام‌داری شریعتی خودویژه‌داری هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سطوح و اجزای درون‌دینی‌ای هستند که در گام نیاز به دین جایگاه می‌یابند، شریعت و نظام‌داری حاکمیتی - مدنیته و مانند آن‌ها تحلیل و برگزیده می‌شوند اما در گام پسامعنویته، عقلانیتی و آینده‌نگاری. بدین‌روی در گام انتظار از دین برای مثال دوگانه شریعت و ایمان درمی‌آید، با حلول در ساحت ایمان، اقتضای زیست شریعتی به دنبال خواهد آمد. در این نگرش پسامعنویته، شریعت ادب معنویت دیده می‌شود. اینک فصل ناگزیر گذار از سرالصلاه به آداب‌الصلاه است.

رابطه عقلانیت و معنویت

وصف ناگزیر جهان جدید از پس تجربیات بلند فردی، اجتماعی و تمدنی، جمع‌شدن عقلانیت، معنویت و آینده‌نگاری است؛ عبرت تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ امروز به پذیرش این تجربه رسیده است و در دنیای معاصر به مثابه یک پرسش فلسفه دینی که آیا جمع عقلانیت، معنویت و آینده‌نگاری پیش روی دین ممکن است، مطرح است. این پرسش اینک در هر دو سطح حکمت نظری و حکمت عملی پیش روی همه ادیان حاضر است، با حضور دین معین در دنیای جدید وام‌دار پاسخ نظری و اقدامی به این پرسش است، این پرسش اینک و در جهان جدید یک پرسمان است. وجه جمع دین و عقلانیت، معنویت است.

ویژگی انسان معاصر: متدین و مدرن بودن

انسان معاصری از وجوه سه‌گانه فردی، اجتماعی و تمدنی، کم یا بیش مدرن است. همان‌گونه که

گوهر و
صدف دین

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» در گام خرداد و تیر در بازخوانی فهرست کتاب، بحث از گوهر و صدف دین را در دستور کار خود داشت و در همین راستا به بررسی نظر دکتر ملکیان در بحث گوهر دین پرداخته شد.

معنویت گوهر ادیان

جهان جدید با وصف خواهانی خودآگاه ترقی و پیشرفت شکل گرفته است که می‌توان آن را در دو وصف عقلانیت و معنویت تحلیل کرد، «عقلانیت برای» و «معنویت برای» پیشرفت، مسئله جهان جدید است. دو مسئله یادشده دو مسئله فلسفه دینی معاصری و معناداری دین نیز اینک و در جنبش اصلاح فکر دینی مد نظر آمده است و مدنیت معاصری اینک بر این مدار در حال پیوندخوردن با رکن سوم آن خواهانی مرجع پیشرفت یعنی مسئله زمان قابل آفریدگاری یا آینده‌نگاری راهبردی است. اینک سه ضلع مثلث «عقلانیت برای»، «معنویت برای» و «آینده‌نگاری برای» رکن رخ‌نموده جهان جدید در مضمون فلسفه دینی مقصود نظر این جهانی است، از همین روی می‌توان گفت فصل گذار از جهان مدرن به پست‌مدرن.

مهیاترین فصل فلسفه دینی پاساست است که سرنوشت جهان‌های دینی و دین‌دار و نظام‌های دینی چون نظام جمهوری اسلامی را نیز رقم می‌زند.

فصل تبیین فلسفه دینی دین در دوره معاصری رسیده است، رویکرد دین برای انسان خواه یا ناخواه اتفاق افتاده است و ایده «دین برای چه» و «انسان برای چه» در داد و ستد فلسفه دینی قرار گرفته‌اند؛ داد و ستدی که خاستگاه هستی‌شناختی ناگزیری برای مؤلفه‌های دیگر پارادایمی یعنی معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و ارزش‌شناسی ایجاد می‌کند و از همین روست که در برآیند «دین

کم یا بیش متدین است؛ اینک و در دوره معاصر، مدرنیته امری ذومراتب است.

پرسش هرمنوتیکی برآیندی پیش روی جهان جدید و در جهان مسئله‌داری ترقی تغییر، مسئله کیفیت سازوکاری تدین و مدرنیته است. جمعی پارادوکسیکال که امروزین آن در نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی کرده است. برای انسان در تکاپوی رو به مدرن‌تر شدن چه نگرشی به دین و چه جنس از دین‌داری امکان دارد؟ پیوند جمهوریت و اسلامیت نماد این پیوند مدرنیته و تدین است. به گونه‌ای که امروز معادله مدنیته و اسلامیت، مدرنیته و تدین دقیقاً مسئله هرمنوتیکی معاصر است.

این پرسش از چگونگی سازگاری میان مدرنیته و تدین، دو پاسخ محتمل را پیش رو گذاشته است و با مدرنیته معاصر نمی‌توان هرگونه طرز تلقی‌ای را از دین پذیرفت و مبنای زیست در جهان جدید قرار داد.

الگوی زیست انسان سنتی پذیرای زیست در جهان جدید نیست، با این نگاه و در دنیای جدید چه سهم نسبتی با دین اتفاق می‌افتد؟

۱. یک راه‌حل وداع از دین و مزایای زیست دین‌دارانه است. وداع از کارکردهای دین دست‌کم در حوزه روان‌شناسی زیستی و حیث زیستمانی؛

۲. پذیرش دین به صورت جدید با ویرایش تازه‌تری از دین، این فهم جدید از دین، معنویت نامیده می‌شود. معنویت فرادینی در پذیرش دین معین و پاسخ‌گویی نیز در عینیت تجربه معاصر جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است و آن با دغدغه‌های انسان سنتی، زیست در جهان مدرن به ویژه

در توجیه خط امر سیاسی کشور است. زندگی بر اساس الگوی زیست سنت لیکن بهره‌مندی از ظرفیت‌های جهان مدرن. چه باید کرد؟

۱. پاسخ سوم یعنی تداوم فهم سنتی از دین در جهان جدید دفاع‌ناپذیر است، فهم سنتی با وجود کارکردهای مثبت زمان خود نه به لحاظ دغدغه‌داری حقیقت رویداد غایی رئالیزم شبکه‌ای قابل دفاع است و نه به لحاظ دغدغه‌داری نجات انسان و جامعه و مدنیته معاصر (دید پراگماتیسم)؛ امروزه آن‌چه از دین در جهان جدید ظرفیت ماندگاری دارد، قابلیت زیستمانی آن و بر همین مدار جریان ممکن الگوی زیست دین‌دارانه و از معراج پارادایم علم در ذیل نظریه

پیشرفت است.

الگوی صدف و گوهر دین به میان می‌آید و این نوبت حرکت از گوهر دین به صدف دین است. لب گوهر دین راهبری وجود به رشد است و در حیث صدفی، ظرفیت آن در جریان‌یابی در الگوی تحقیق و توسعه‌ای به میان می‌آید. اصرار بر دین در قرائت سنتی با ابزار دنیای مدرن، سکولاریزم پنهانی را به تدریج بر مدنیته انسان و جامعه هدف تحمیل می‌کند؛

۲. دست‌برداشتن از دین، وداع از مزایای دین نیز خواهد بود. سکولاریزم آشکاری اتفاق می‌افتد و در عمل بحران معنای زندگی نیز سر می‌رسد؛

۳. دین به صورت جدیدی پذیرفته می‌شود. از فهم سنتی از دین تاریخی وداع گفته می‌شود، نیاز به معنویت رکن برجسته کارکرد مثبت دین دیده می‌شود.

نظریه برگزیده این قلم بازویرایش معنویت دین، در حرکت از

زیستمانی تازه در نسبت با مسئله هرمنوتیکی پیشرفت، رهسپاری به دین رشد - توسعه‌ای است.

ساختار تحلیل نظری پیشنهادی در سطوح پیشنهادی زیر می‌آید:

۱. معنا و مؤلفه‌های مدرنیته چیست؟

۲. ضرورت مرجع معنویت و به تعبیری مضمون اصیل دین ضروری در جهان جدید با چه ویرایشی از معنویت است؟ (درک ضرورت معنویت و ویژگی‌های آن)

۳. شاکله ظهور معنویت در جهان جدید با نظر به ظرفیت دین الهیاتی؛

۴. مرزهای معین فارق نظریه برگزیده با نظریه رضایت باطنی

وصف ناگزیر جهان جدید از پس تجربیات بلند فردی، اجتماعی و تمدنی، جمع‌شدن عقلانیت، معنویت و آینده‌نگاری است؛ عبرت تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ امروز به پذیرش این تجربه رسیده است و در دنیای معاصر به مثابه یک پرسش فلسفه دینی که آیا جمع عقلانیت، معنویت و آینده‌نگاری پیش روی دین ممکن است، مطرح است. این پرسش اینک در هر دو سطح حکمت نظری و حکمت عملی پیش روی همه ادیان حاضر است، با حضور دین معین در دنیای جدید وام‌دار پاسخ نظری و اقدامی به این پرسش است، این پرسش اینک و در جهان جدید یک پرسمان است. وجه جمع دین و عقلانیت، معنویت است.

ملکیان تا نظریه مرسوم.

معنا و مؤلفه‌های مدرنیته

انسان و جهان مدرن با دوره پیش از خویش، انسان و جهان سنت با لحاظ عقیدتی و معرفتی، احساسی و عاطفی و ارادی یا عملی تفاوت‌های برجسته‌ای دارد. مؤلفه‌های برجسته مدرنیته را می‌توان به مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر تقسیم کرد. برخی از ویژگی‌های انسان و جهان مدرن به هیچ وجه از وی قابل انتظار و تفکیک نیست. این ویژگی‌ها گریزناپذیر هستند و در مواجهه انسان و جهان مدرن ناگزیریم این واقعیت را در وجود او مسلم گرفته و تدین انسان و جهان جدید جز با توجه به این مؤلفه‌ها ممکن نیست. این مؤلفه‌ها باید شناخته شوند و شیوه‌های برخورد با آن‌ها باید خودآگاه شود.

توضیح مدرنیته و سنت به تفکیک انسان مدرن از انسان سنتی



“

پرسش هرمنوتیکی برآیندی پیش روی جهان جدید و در جهان مسئله‌داری ترقی تغییر، مسئله کیفیت سازوکاری تدین و مدرنیته است. جمعی پارادوکسیکال که امروزین آن در نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی کرده است. برای انسان در تکاپوی رو به مدرن ترشدن چه نگرشی به دین و چه جنس از دین‌داری امکان دارد؟ پیوند جمهوریت و اسلامیت نماد این پیوند مدرنیته و تدین است. به گونه‌ای که امروز معادله مدنیته و اسلامیت، مدرنیته و تدین دقیقاً مسئله هرمنوتیکی معاصر است.

”

است. یکی از ویژگی‌های انسان مدرن، خودآگاهی به امکان تغییر و تحول است. متفکرین جهان غرب، در دوره‌های تحولی راهبردی غرب و تاریختی این تغییر و تحول، از تاریخ فکر ترقی گفته‌اند. به همین روی، مسئله پیشرفت، یک مضرب ایدئولوژیک برای جهان جدید محسوب می‌شود که اینک در دوره جدید، یک وصف عمومی دیده می‌شود.

ارزش افزوده دین در ورود به جهان جدید، جریان مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر حق و مقابله با مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر باطل و درک دقیق آن مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر به تناسب وضعیت انسان و جامعه هدف است. زیست دین‌دارانه در جهان جدید، در گروی مضرب‌دهی این مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر با آن مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر است.

مبانی پارادایمی و به طور خاص هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین برگزیده نیز، اوصافی اجتناب‌پذیر را برای انسان، هستی و جامعه قائل است که می‌تواند با اوصاف اجتناب‌ناپذیر جهان مدرن در تقابل باشد. در این صورت، تقابل پارادایمی اتفاق می‌افتد و راه بازخوانی این اوصاف، از معجری بازخوانی پارادایمی است.

اصلی‌ترین ویژگی انسان مدرن، راسیونالیسم یا عقلانیت معاصر است که در این راستا دین برگزیده نیز، دین عقلانی خواسته می‌شود. عقل استدلالی یا عقل محاسبه در جهان جدید، مدخل پذیرش دین تلقی می‌شود. گزاره «الف» ب است چون خدا گفته است» نیز، باید در همان عیار هستی‌شناخت انسان جدید دید و پاسخ داد. گذار از عقل محاسبه به فراعقل یا امر وجدانی و شهودی، وصف اجتناب‌ناپذیر جهان جدید نیست و می‌تواند از مضرب‌های اجتناب‌پذیر حق به مثابه ارزش افزوده مضربی عقل باشد.

جهان سنت در برابر جهان جدید به وصف تعبد توصیف می‌شود. با این حال می‌توان به وصف استدلال، خدا را پذیرفت، وحی را پذیرفت و در مناسبات میان عقلانیت و تعبد، از چشم‌انداز وصفی اجتناب‌پذیر، به یک الگوی زیستی ترکیبی داد و ستدی میان عقل و وحی در جهان جدید رسید. به همین روی، فقه در قرائت فلسفه فقهی جدید، به ناگزیر

می‌انجامد؛ این تفکیک در سه وجه عقیدتی و معرفتی، احساسی و عاطفی، ارادی و عملی قابل پیگیری است که به نوبه خود مؤلفه‌های خودویژه اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر دارند.

۱. دسته‌ای از ویژگی‌ها، اجتناب‌پذیرند و می‌توان آن‌ها را از اوصاف انسان مدرن ندانست؛ چه اجتناب‌پذیرهای حق و خوب و چه اجتناب‌پذیرهای باطل و بد. می‌توان به اجتناب‌پذیرهای حق و خوب رویکرد مثبت داشت و باید که از اجتناب‌پذیرهای باطل و بد دوری کنیم، در ادبیات جهان مدرن ایمان قرآنی و کفر دو اجتناب‌پذیر حق و باطلند، اجتناب‌پذیرهای حق در حکم ارزش افزوده جهان جدیدند؛

۲. در مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر مدرنیته، چاره‌ای از پذیرش این ویژگی‌های ناگزیر نداریم، چه ایمان بورژیم و چه کفر بورژیم، خوب باشد یا بد، زشت باشد یا زیبا. مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر جهان مدرن، در حکم وضعیت مسئله‌ای جهان جدید را دارند. به سخنی دیگر، اوصاف اجتناب‌ناپذیر، قرائت درون‌ذات جهان جدید از مقوله تغییر و تحول است.

از همین روست که رویکرد به دین در دنیای معاصر در چارچوبه این دو ویژگی اتفاق می‌افتد. رویکرد به دین در این راستا، همواره در دو گام از سطح اجتناب‌ناپذیر و اجتناب‌پذیر رخ می‌دهد. در سطح اجتناب‌ناپذیر، دین به صورت فهم سنتی، تاریخی و نهادینه‌اش ناسازگاری دارد و چه بسا با ویژگی‌های اجتناب‌پذیر حق نیز چونان اصل عدالت فراجنسیتی ناسازگاری داشته باشد. احساس نیاز به دین در این فرآیند از احساس نیاز به عقلانیت و آدمیت آغاز می‌شود و بر مدار نوع ترسیم و گزینش از ویژگی‌های اجتناب‌پذیر حق برگزیده می‌تواند به احساس نیاز به دین حق قرآنی نزدیک شود؛ می‌توان این فرآیند را با فرآیند نظام تنزیل اندکی هم‌پوشان دید. پیامبر در آغاز ظهور اسلام به حکم نماز، ابتدا دو رکعت نماز صبح و سه رکعت نماز مغرب را ابلاغ نمود؛ همان‌گونه که تا سالیانی حکم به وجوب روزه را ابلاغ نکرد تا به تدریج با ظرفیت‌گیری آن اوصاف اجتناب‌ناپذیر وجودی اقلام اجتناب‌پذیر حق را افزون‌تر ساخت.

قرائت سنت یا مدرن از جهان، نوع قرائت از مسئله تغییر و تحول

“

انسان و جهان مدرن با دوره پیش از خویش، انسان و جهان سنت با لحاظ عقیدتی و معرفتی، احساسی و عاطفی و ارادی یا عملی تفاوت‌های برجسته‌ای دارد. مؤلفه‌های برجسته مدرنیته را می‌توان به مؤلفه‌های اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر تقسیم کرد. برخی از ویژگی‌های انسان و جهان مدرن به هیچ وجه از وی قابل انتظار و تفکیک نیست. این ویژگی‌ها گریزناپذیر هستند و در مواجهه انسان و جهان مدرن ناگزیریم این واقعیت را در وجود او مسلم گرفته و تدین انسان و جهان جدید جز با توجه به این مؤلفه‌ها ممکن نیست. این مؤلفه‌ها باید شناخته شوند و شیوه‌های برخورد با آن‌ها باید خودآگاه شود.

”